

ارائه الگویی برای رشد اقتصادی ایران: برخی ملاحظات نهادی



محسن رنانی*
رحیم دلالی اصفهانی**
علی حسین صمدی***

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۸۷/۱/۳۱
صفحات: ۱۹۳-۲۱۵

این مقاله تلاش دارد تا نشان دهد که با تکیه بر نظریه‌های اقتصادی و بدون توجه به مسائل نهادی، نمی‌توان مشکلات اقتصاد ایران، بویژه موانع رشد اقتصادی را تحلیل کرد و استفاده از تحلیل‌های نهادی به عنوان یک روش مکمل تحلیل‌های سنتی، ضروری است.

*. دکتر محسن رنانی؛ دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.

** . دکتر رحیم دلالی اصفهانی؛ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.

***. دکتر علی حسین صمدی؛ استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز.

E. mail: m.renani @gmail.com

E. mail: rateofinterest@yahoo.com

E. mail: asamadi@rose.shirazu.ac.ir

در این مقاله الگوی رشدی معرفی شده که در آن متغیر کیفیت نهادها به صورت یک متغیر وارد الگو شده است. این الگو سازگار با شرایط اقتصاد ایران بوده و روابط درازمدت بین متغیرها با آزمون همجمعی گری گوری- هانسن (۱۹۹۶) مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این آزمون حکایت از تأثیر درازمدت کیفیت نهادها و سایر متغیرهای الگو بر تولید واقعی ایران دارد. همچنین روابط بین متغیرها با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای و با در نظر گرفتن متغیرهای جانشین کیفیت نهادها در اقتصاد ایران تخمین زده شده است. نتایج تخمین الگوهای رگرسیونی نشان داد که کیفیت نهادها تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران دارند و بنابراین عامل مهمی در فرایند رشد اقتصادی تلقی می‌شوند.

طبقه بندی JEL: B52, C22, C52, E11, O43

کلید واژه‌ها:

ایران، توسعه اقتصادی، اقتصاد نهادگرایی، آزمون همجمعی گری گوری- هانسن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در ادبیات مربوط به رشد و توسعه اقتصادی، همواره این پرسش مطرح بوده که چرا برخی از کشورها، فقیر تر از کشورهای دیگر هستند. برای پاسخ به این سؤال نظریه‌های متعددی مطرح شده که می‌توان آنها را به دو دسته نظریه‌های کلاسیک و نظریه‌های جدید رشد اقتصادی تقسیم کرد. در این نظریه‌ها، موضوع رشد اقتصادی به سه زیر مسئله مختلف علل^۱، اشکال^۲ و پیامدهای^۳ آن تقسیم شده است. در تحلیل علل رشد اقتصادی نیز دو دسته عوامل و علل زیر در نظر گرفته شده است:

۱. علل مستقیم (یا آشکار)^۴ مانند انباشت سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، تغییر فنی

درونزا و ...

۲. علل غایی (یا اصلی)^۵ مانند شانس، عوامل جغرافیایی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ،

و نهادها بخصوص نهادهای اقتصادی از جمله حقوق مالکیت و نهاد بازار و ...^۶

در سالهای اخیر تغییرات عمده‌ای در تفکرات اقتصاددانان درباره علل رشد اقتصادی صورت گرفته که می‌توان به مطالعه ماهیت و نقش نهادها در فرایند رشد اقتصادی اشاره کرد.

این توجه باعث احیای مجدد مکتب نهادگرایی و بنای اقتصاد نهادگرایی جدید شد.^۷

برخلاف متون فزاینده نظری و تجربی مربوط به رشد اقتصادی، در تجزیه و تحلیل

رشد اقتصادی ایران، از تحلیلهای نهادی استفاده اندکی شده و بخصوص به علل غایی (یا

اصلی) رشد اقتصادی توجه زیادی نشده است. این مقاله با نگاهی بر نتایج مطالعات تجربی

موجود درباره رشد اقتصادی ایران، تلاش دارد تا نخست نشان دهد که با تکیه بر نظریه‌های

اقتصادی و بدون توجه به مسائل نهادی، نمی‌توان مسائل و مشکلات اقتصاد ایران، بویژه موانع

رشد اقتصادی را تحلیل کرد.

1. Causes

2. Forms

3. Effects

4. Proximate Causes

5. Ultimate Causes

6. Heitger, 2004, p.381; Acemoglu et. al. (2005); Acemoglu (2006), pp.83-4; Meacci, 2004, p.495; and Rodrik et. al, (2004), pp.131-136.

7. Lewer and Saenz, (2005), p.157; Norton, (2000), p.319-320; Goldsmith, (1997), p. 28-30.

نوشتار در شش قسمت تنظیم شده که در بخش دوم، ارتباط نظری بین نهادها و رشد اقتصادی به صورت اجمال بررسی می‌شود. در بخش سوم، نتیجه کلی بیشتر مطالعات چاپ شده در مجلات داخلی و خارجی در ارتباط با علل مستقیم (با آشکار) و غایی (با اصلی) رشد اقتصادی ایران ارائه شده و در بخش چهارم نیز الگوی اقتصادسنجی قابل تخمین ارائه می‌شود؛ بخش پنجم به نتایج تجربی مربوط به نقش نهادها در رشد اقتصادی ایران اختصاص یافته است. در بخش نهایی نیز یک جمع بندی صورت گرفته و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

نهادها: مفهوم و آثار اقتصادی

تعریف نهادها

اصطلاح نهاد با نام داگلاس نورث عین شده است. «نورث»^۱ نهادها را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«نهادها قوانین بازی در جامعه هستند و یا به عبارت سنجیده‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب بشر که روابط متقابل انسانها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی». به اعتقاد نورث^۲، نهادها مرکب از «محدودیت‌های غیررسمی (مانند جرایم، تحریمها، آداب و رسوم، سنن و قوانین رفتاری)^۳ و قواعد رسمی مانند قانون اساسی، مقررات و حقوق مالکیت» هستند. از دیدگاه وی «نهادها در طول تاریخ برای ایجاد نظم و کاهش عدم اطمینان در مبادله اندیشیده شده‌اند... و ضمن معرفی ساختار انگیزشی اقتصاد آنها را در جهت تغییرات اقتصادی به سمت رشد یا رکود سوق می‌دهند». نورث^۴ تعریف مجددی از نهادها به صورت زیر ارائه کرده است:

¹. North, (1990), p.19.

². North, (1991), p.92.

³. Code of Conducts

⁴. D. C. North, *Five Propositions about Institutional Chang*, In Explaining Social Institutions, Edited by Jack Knight and Itai Sened, Ann Arbor, (Mich: University of Michigan Press, 1995), p. 15.

« نهادها محدودیتهایی هستند که طبیعت بشری^۱ بر روابط متقابل انسانها وضع می‌کند». در این تعریف، از نهادها به جای اینکه با عنوان قواعد یاد شود، محدودیت عنوان شده است. نورث^۲ دوباره از موضع تعریف قبلی به عقب برگشته و نهادها را « قواعد بازی جامعه» تعریف کرده است.^۳ وی در آخرین اظهارنظر خود درباره نهادها، آنها را قواعد رسمی، هنجارهای غیررسمی و ویژگیهای اجرایی آنها می‌داند و بیان می‌کند که نهادها تعیین می‌کنند که چگونه افراد روابط متقابل خود را در زمینه مشخصی شکل دهند.^۴

بررسی اجمالی تعاریف موجود^۵ نشان می‌دهد که علیرغم تفاوت‌های ظاهری موجود در تعاریف، وجوه اشتراکی نیز بین آنها وجود دارد. در بیشتر تعاریف، توجه بیشتر پژوهشگران بر «روابط متقابل انسانی» متمرکز شده و وجه مشترک دوم بیشتر تعاریف، تمرکز افراد بر عدم اطمینان و نقش نهادها در کاهش آن است.

نهادها و عملکرد اقتصادی^۶

تمرکز بیشتر نظریه‌های اقتصادی در تشریح فرایند رشد و توسعه اقتصادی بر علل مستقیم بوده است. اقتصاددانان در تشریح فرایند رشد اقتصادی، برای مدتی طولانی روی نهادها، ستاده‌ها و توابع تولید متمرکز شدند و با بنگاهها به عنوان «جعبه سیاه»^۷ برخورد کردند. در این مطالعات توجه کمتری بر عوامل تعیین کننده ساختاری وجود بنگاهها، مرزها و عملکرد آنها صورت گرفت. این جعبه سیاه توسط «ویلیامسون»^۸ براساس کار «رونالد کوز»^۹

^۱. Human Beings

^۲. D. C. North, *Prologue*, In *The Frontiers of the New Institutional Economics*, Edited by John N. Drobak and John V. C. Nye. (San Diego and London: Academic Press, 1997), p. 6.

^۳. Hodgson, 2006.

^۴. Blomström and La Croix, (2005).

^۵. حداقل ۲۱ تعریف متفاوت از نهادها وجود دارد. برای مطالعه بیشتر به صمدی (۱۳۸۷) مراجعه کنید.

^۶. مفهوم نهاد در قسمتهای قبلی تا حدودی روشن شد. اما منظور از «عملکرد» موضوعات اصلی مورد توجه اقتصاددانان است؛ برای مثال می‌توان به تصمیم درباره مقدار تولید کالاها، توزیع منابع و هزینه و یا بررسی ثبات یا عدم ثبات تولید اشاره کرد (نورث، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

^۷. Black Box

^۸. Williamson

^۹. Ronald Coz, (1937).

(۱۹۳۷) و سایر افراد در دهه ۱۹۷۰ گشوده شده و به بنگاهها به عنوان یک نهاد مهم توجه شد و دوباره مطالعه ماهیت و نقش نهادها در فرایند رشد و توسعه اقتصادی یک زمینه فعال پژوهشی شد.^۱

وقتی صحبت از توسعه پایدار می شود، چهار مؤلفه اساسی برای آن مد نظر است: مؤلفه رشد، مؤلفه توزیع، مؤلفه زیست محیطی و مؤلفه نهادی. در واقع فرایند توسعه اقتصادی مستلزم مشارکت وسیع هر یک از شهروندان کشور است. این شهروندان باید از طریق فرایندهایی توانمند شوند. نهادها هستند که میزان مشارکت و توانمندسازی افراد را تعیین می کنند. بنابراین در مؤلفه نهادی توسعه پایدار، درباره مسائل مشارکت و توانمندسازی افراد صحبت می شود.^۲

«توریستیس وبلن»^۳، علم اقتصاد را نظریه فرایندها و آشکارسازی عادات، و نهادها را شکل دهنده این فرایندها می داند. به اعتقاد وی نهادها بر رفتار کارگزاران اقتصادی و بنابراین بر عملکرد اقتصادی اثر می گذارند. این تأثیرگذاری از کانالهای متعددی صورت می گیرد که بر نقش و اهمیت نهادها (بطور عام و نهادهای اقتصادی بطور خاص) تأکید دارند. نهادها بر ساختار انگیزه‌های اقتصادی افراد در جامعه اثر می گذارند. اقتصاددانان معتقدند که نهادها حد و مرز مجموعه انتخابهای افراد را تعیین می کنند و راهنمای کنش متقابل افراد هستند. بنابراین، ایجاد یک ساختار باثبات (و نه الزاماً کارا) برای کنشهای متقابل انسانی، باعث کاهش عدم اطمینان می شود. به عبارت دیگر نقش اصلی نهادها، هماهنگی و سازماندهی گروهها برای مبادله و کاهش عدم اطمینان در ساختار فعالیتهای اقتصادی و امکانپذیر شدن توسعه است.

نهادهای ضعیف تأثیر معنی داری بر عملکرد اقتصادی خواهند داشت و این امکان نیز وجود دارد که با وادار کردن کارگزاران اقتصادی به انجام فعالیتهای سیاسی باز توزیعی^۴ به جای

^۱. Hodgson , (2005).

^۲. در مؤلفه رشد درباره «ایجاد و خلق ظرفیت مولد بیشتر»، در مؤلفه توزیع در مورد «مسائل مربوط به برابری در بین هر نسل» و در مؤلفه زیست محیطی درباره «برابری بین نسلی» بحث می شود.

^۳. Toveristis Vebln

^۴. Redistributive Policies

فعالیت اقتصادی با بازدهیهای اقتصادی بالا، مانع رشد نیز شوند. «هال و جونز»^۱ نیز اعتقاد دارند که نهادهای ضعیف باعث تشویق انحراف در تولید و بنابراین کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.^۲

از دیگر سو، اهمیت نهادهای اقتصادی در عملکرد اقتصادی از این نظر است که منجر به تغییر در هزینه تولید؛ بویژه هزینه‌های مبادله می‌شوند. نهادها هزینه انجام مبادله را تعیین کرده و بر هزینه‌های تولید اثر می‌گذارند. هزینه‌های تولید شامل «هزینه‌های تبدیل»^۳ و «هزینه‌های مبادله»^۴ هستند. برای تبدیل نهادهای مبادله‌ها باید منابعی صرف شود و این تبدیل به دانش فنی خاص خود و همچنین نهادهای نیاز دارد. نقش نهادها و چارچوب نهادی در هزینه‌های تبدیل از این حیث است که مجموعه فرصتهای افراد را تعیین می‌کنند و این محدودیتها خود مجموعه‌ای پیچیده از محدودیت‌های رسمی و غیررسمی هستند که بر مجموعه‌های انتخاب افراد در زمینه‌های متفاوت اثر می‌گذارند. هرگاه نهادها ضعیف باشند؛ به عبارتی هرگاه حقوق مالکیت یا حاکمیت قانون قابل اعتماد نباشد، قراردادهای غیرقابل اجرا شده و منجر به استفاده از فناوریهای ارزان و فعالیت‌های با کارایی کمتر و رقابت کمتر در افق زمانی کوتاه‌مدت می‌شود. در این صورت هزینه‌های تبدیل، افزایش خواهند یافت. همچنین نهادهای ضعیف منجر به افزایش هزینه‌های مبادله می‌شوند؛ زیرا این احتمال وجود دارد که بنگاه‌های خصوصی در مقیاس کوچک عمل کرده یا حتی به صورت غیر قانونی و در اقتصاد زیرزمینی عمل کنند و در این صورت، این احتمال وجود دارد که برای تسهیل عملکرد، به رشوه و فساد روی آورند. این فعالیت‌ها منجر به افزایش هزینه‌های مبادله خواهند شد.

هرگاه نهادها ضعیف تعریف شوند و یا نهادهای رسمی اندکی در جامعه وجود داشته باشد، در این صورت بیشتر مبادلات به صورت مبادلات بین شخصی خواهد شد. در چنین محیطی، هزینه‌های مبادله به دلیل شناخت افراد از یکدیگر و همگنی فرهنگی آنها کاهش می‌یابد، اما به این دلیل اقتصاد در سطح تخصصی‌سازی بسیار پایین فعالیت خواهد کرد. این

¹. Hall, R. E., and C.I. Jones, "Levels of Economic Activity Across Countries", *American Economic Review*, 87 (2), (1997), pp. 173-177.

². North, (1990), p.89; Acemoglu et al. (2003), pp.61-77; and Ali (2003), p. 350.

³. Transformation Costs

⁴. Transaction Costs

احتمال وجود دارد که هزینه‌های تبدیل زیاد باشد. با این وجود، نورث اعتقاد دارد که چارچوب نهادی بر هزینه‌های تبدیل به واسطه دانش فنی و بر هزینه‌های مبادله به واسطه رابطه مستقیم بین نهادها و این هزینه‌ها تأثیر می‌گذارد.^۱

نهادها همچنین با تخصیص منابع به کاراترین استفاده‌ها، انباشت عوامل، و تسهیل نوآوری، در بهبود عملکرد اقتصادی نقش قاطعی خواهند داشت و از طریق کاهش عدم اطمینان موجود در کنش‌های متقابل افراد و افزایش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ملموس و غیرملموس و افزایش ریسک‌پذیری افراد، منجر به تسهیل و افزایش نوآوری می‌شوند.^۲

نقش اصلی نهادها ارائه چارچوبی برای شکل‌دهی روابط و تعیین سیاستها است. جوامعی که فرصتها و انگیزه‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری دارند، غنی‌تر از سایر کشورها هستند. نورث^۳ علت فقیر ماندن کشورهای جهان سوم را در عدم تشویق فعالیتهای مولد به واسطه محدودیتهای نهادی موجود در ساختار اقتصادی آنها می‌داند. وی همچنین، علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را نهادهایی می‌داند که منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی کردن فعالیتهای و فرایند مبادله می‌شوند.

^۱. North, 1990, p.56-67; 105-115; Acemoglu et al.(2005); (Aron (2000), p. 104-105 and Dawson, (1998), p.80.

^۲. North, 1990, p.53; Acemoglu et al. (2005); Veeman and Politylo, (2003), p. 322; Beck and Laeven, (2000), p. 161.

^۳. North, 1990, p.110.

مطالعات تجربی مربوط به رشد اقتصادی ایران^۱

علل مستقیم (یا آشکار) رشد اقتصادی ایران

در ارتباط با بحث رشد اقتصادی، مطالعات بسیاری در اقتصاد ایران وجود دارد.^۲ نگاهی به نتایج مطالعات انجام شده (حدود ۲۳۰ مقاله چاپ شده) در باره رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد که در مورد تأثیر پس‌انداز، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مالیاتها، مخارج دولت، کسری بودجه و بطور کلی سیاست مالی، صادرات غیرنفتی، صادرات و بی‌ثباتی درآمدهای نفتی، سیاستهای تجاری، توسعه مالی، سیاست پولی، تورم، توزیع نابرابر درآمد و آموزش، یعنی برخی علل مستقیم یا آشکار بر فرایند رشد اقتصادی، اتفاق نظری بین پژوهشگران و یافته‌های تجربی آنها وجود ندارد. تنها اتفاق نظر در بین پژوهشگران، درباره تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متنوع سازی صادرات، واردات، مخارج تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انرژی و تأثیر منفی نرخ ارز و سیاستهای ارزی، بی‌ثباتی درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی و جمعیت بر رشد اقتصادی بوده است. نکته با اهمیت دیگر این است که برخی از پژوهشگران، قابلیت کاربرد الگوهای رشد درونزا در اقتصاد ایران را زیر سوال برده‌اند، درحالیکه بخش اعظم مطالعات انجام شده بر اساس این الگو صورت گرفته و تنها در مطالعات اندک دیگر از سایر الگوها استفاده شده است.

علل غایی (یا اصلی) رشد اقتصادی: برخی موانع نهادی رشد اقتصادی ایران

مسائل و موانع نهادی در مطالعات نظری و تجربی در اقتصاد ایران توجه زیادی به خود جلب نکرده است. شاید اولین تلاشها در این زمینه را بتوان در نوشته‌های چاپ شده به مطالعه طبیبان (۱۳۷۱) نسبت داد. رنانی (۱۳۷۶) نیز به بحث موانع نهادی رقابت در بازار

^۱ در این قسمت تنها نتایج بیشتر مطالعات چاپ شده در مجلات ارائه می‌شود و از پرداختن به نتایج پایان نامه‌های دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد خودداری شده است. هرچند مطالعات ارزشمندی در این مقطع وجود دارد اما به دلیل عدم دسترسی به تمام پایان‌نامه‌ها و برخی اشکالات احتمالی آنها از ذکر نتایج آنها خودداری می‌شود.

^۲ این مطالعات را می‌توان در عناوین زیر دسته‌بندی کرد: ۱. پس‌انداز خصوصی ۲. سرمایه انسانی و فیزیکی ۳. سیاست مالی ۴. تجارت و سیاست تجاری ۵. نرخ ارز و سیاستهای ارزی ۶. سیاست پولی و توسعه مالی ۷. مخارج تحقیق و توسعه ۸. فناوری اطلاعات و ارتباطات ۹. تورم ۱۰. توزیع درآمد ۱۱. جمعیت ۱۲. آموزش ۱۳. انرژی ۱۴. الگوهای رشد

پرداخته است. مجاورحسینی (۱۳۷۸) به تحلیل نهادی موانع رشد اقتصادی پرداخته و علت عملکرد نامطلوب رشد اقتصادی را به واسطه عملکرد ضعیف زیربنای اجتماعی و سرمایه انسانی (و بنابراین نهادهای ضعیف) می‌داند. در سالهای اخیر نیز خضری و رنایی (۱۳۸۳)، ابریشمی و هادیان (۱۳۸۳)، سوری (۱۳۸۴) و نیلی و آذری (۱۳۸۵) مطالعاتی درباب حقوق مالکیت، سرمایه اجتماعی و رانت‌جویی داشته‌اند.

رنایی (۱۳۷۶) یکی از علل کارکرد ضعیف و نادرست بازار در اقتصاد ایران طی سالهای گذشته را مخدوش شدن گسترده حقوق مالکیت می‌داند. خضری و رنایی (۱۳۸۳) با بیان اینکه رانت‌جویی موضوع اساسی اقتصاد ایران است، به تبیین رانت‌جویی و هزینه‌های آن پرداخته و آن را یکی از علل کمتر توسعه یافتگی ایران دانسته‌اند. ابریشمی و هادیان (۱۳۸۳) نیز در قالب یک الگوی رشد درونزا ارتباط بین رانت‌جویی و رشد اقتصادی را براساس داده‌های دوره ۸۰-۱۳۳۸ بررسی کرده و به ارتباط منفی بین این دو متغیر دست یافته‌اند.

سوری (۱۳۸۴) به بررسی و مقایسه اثرات سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی منفی و معنادار است؛ در حالیکه تأثیر سرمایه انسانی بی‌معنا است. نیلی و آذری (۱۳۸۵) نیز به بررسی تأثیر اعتماد بر عملکرد اقتصادی از طریق بهره‌وری کل عوامل تولید پرداخته و با محاسبه شاخص بی‌اعتمادی براساس ایده شعاع اعتماد فوکویاما و تولید خانواری و غیرخانواری به این نتیجه رسیده‌اند که نهاد خانوار بیشترین سهم تولید را درمقابل نهادهای غیرخانواری داراست و بی‌اعتمادی به عنوان بخشی از بهره‌وری کل عوامل تولید، نقشی منفی در عملکرد اقتصادی و ستانده دارد.

الگوی نظری رابطه بین نهادها و رشد اقتصادی

در اقتصاد سنجی رشد، دو دسته عوامل در نظر گرفته می‌شوند: عواملی که در الگوی رشد سولو (۱۹۵۶) معرفی شده و عواملی که در این الگو نادیده گرفته شده‌اند. به عبارت دیگر، یک الگوی رشد را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y = \alpha + \beta X + \gamma Z + \varepsilon \quad (1)$$

که در آن X عواملی است که در الگوی رشد سولو معرفی شده و Z سایر عوامل است. این عوامل بسته به نوع مطالعه (کشوری و بین کشوری) تفاوت دارد. «دارلایف و همکاران»^۱ متغیرهای مستقل استفاده شده در مطالعات موجود را ۱۴۵ رگرسور متفاوت (در ۴۱ دسته) دسته‌بندی کرده‌اند. یازده دسته از این ۴۱ دسته، به کیفیت نهادها و متغیرهای نهادی مربوط می‌شود. هدف اصلی این قسمت ارائه یک الگوی اقتصادسنجی است که در آن رابطه بین نهادها و رشد اقتصادی بررسی شود. بدین منظور، ابتدا الگوی رشد سولو و سپس بسط‌های موجود آن ارائه می‌شود. پایه نظری بیشتر مطالعات، براساس الگوی رشد سولو و بسط‌های صورت گرفته از آن است.

الگوی رشد نئوکلاسیکی سولو با فرض تابع تولید کاب-داگلاس را می‌توان به صورت

زیر نوشت:

$$Y_t = K_t^\alpha (A_t L_t)^{1-\alpha}, \quad 0 < \alpha < 1 \quad (2)$$

که در آن Y تولید کل، K سرمایه فیزیکی، L نیروی کار و A سطح فناوری کارافزا و AL نیروی کار مؤثر است. پیش بینی اصلی الگو این است که درآمد واقعی تحت تأثیر نرخ پس انداز و نرخ رشد جمعیت می‌باشد.

الگوی شماره (۲) توسط «رومر، منکیو و ویل»^۲ (۱۹۹۲) و «منکیو»^۳ (۱۹۹۵) با اضافه کردن سرمایه انسانی به یک الگوی رشد درونزا تبدیل شد. الگوی منکیو و همکاران (۱۹۹۲) به صورت زیر است:

$$Y_t = K_t^\alpha H_t^\beta (A_t L_t)^{1-\alpha-\beta}, \quad \alpha, \beta > 0, \alpha + \beta < 1 \quad (3)$$

¹. S. N. Durlauf and et. al, (2005), pp. 652-659.

². Romer, Monkio & Will, (1992).

³. Monkio, (1995).

که در آن H سرمایه انسانی است. این تابع نسبت به عوامل انفرادی بازدهی کاهنده و نسبت به تمامی عوامل، بازدهی ثابت نسبت به مقیاس را نشان می‌دهد.

برای اینکه الگوی شماره (۳) الگویی تجربی سازگار با شرایط اقتصاد ایران باشد، تعدیلاتی صورت گرفته است. «خلیلی عراقی و رمضانپور»^۱، دو ویژگی عمده اثرگذار بر رشد اقتصادی ایران را اندازه بزرگ دولت (دولتی بودن اقتصاد) و سلطه نفت دانسته و این متغیرها را به همراه متغیرهای نماینده بی‌ثباتی اقتصاد کلان، به الگوی خود اضافه کرده و آن را تخمین زده‌اند. «درگاهی و قدیری»^۲ نیز علاوه بر این متغیرها از متغیر تورم به عنوان شاخصی از عملکرد سیاستهای پولی استفاده کرده‌اند. «کمیجانی و معمارنژاد»^۳ (۱۳۸۳) در تخمین الگوی خود علاوه بر متغیرهای الگوی شماره (۳) از متغیرهای نشان‌دهنده اندازه دولت، صادرات نفت و گاز و نرخ تورم نیز استفاده کرده‌اند. «تاری و ستاری»^۴ (۱۳۸۴) نیز هرچند الگوی رشدی برای کشورهای عضو اوپک در نظر گرفته‌اند، اما همانند مطالعات اشاره شده، از دو متغیر اندازه دولت و قیمت نفت و برخی متغیرهای دیگر استفاده کرده‌اند. در هیچکدام از این مطالعات به نقش نهادها در رشد اقتصادی توجهی نشده است.

«نلسون و سمپت»^۵ مفهومی از نهادها را بسط داده‌اند که برای تحلیل عملکرد اقتصادی بویژه رشد اقتصادی مفید است. آنها نهادها را «فناوریهای اجتماعی» در بهره‌برداری از فعالیتهای اقتصادی مولد تعریف می‌کنند. از دیدگاه آنها، رشد اقتصادی از تکامل تدریجی همزمان فناوریهای اجتماعی و فیزیکی ناشی می‌شود. بر این اساس و با توجه به ادبیات مربوط

۱. منصور خلیلی عراقی و اسماعیل رمضانپور، «اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۸، (۱۳۸۰)، صص ۷-۳.

۲. حسن درگاهی و امراله قدیری، «تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران (با مروری بر الگوهای رشد درون‌زا)»، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال هفتم، شماره ۲۶، (۱۳۸۲)، ص ۲۰.

۳. اکبر کمیجانی و عباس معمارنژاد، «اهمیت کیفیت نیروی انسانی و R&D (تحقیق و توسعه) در رشد اقتصادی ایران»، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال هشتم، شماره ۳۱، (۱۳۸۳).

۴. فتح‌الله تازی و رسول ستاری، «بررسی تأثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک»، *پژوهشنامه اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۱۶، (۱۳۸۴).

۵. R. R. Nelson and B. N. Samp. "Making sense of Institutions as a Factor Shaping Economic Performance", *Journal of Economic Behavior & organization*, Vol. 44, (2001), pp. 31.

به نقش نهادها در رشد اقتصادی، متغیر نماینده کیفیت نهادها (I) را می‌توان به صورت زیر به معادله (۳) اضافه کرد:

$$Y_t = I_t K_t^\alpha H_t^\beta (AL_t)^{1-\alpha-\beta} \quad (۴)$$

که در آن تمامی متغیرها همانند معادله (۳) تعریف می‌شود و I نشان‌دهنده تأثیر کیفیت نهادها بر بهره‌وری نهادها است. این الگو توسط «دوسون»^۱ (۱۹۹۸) و «علی»^۲ (۲۰۰۳) و بسیاری از محققین دیگر مورد استفاده قرار گرفته است.

حال با این توضیحات می‌توان الگوی شماره (۴) را با توجه به دو ویژگی عمده اقتصاد ایران؛ یعنی اندازه بزرگ دولت و سلطه نفت بر اقتصاد تعدیل کرد. بزرگ شدن اندازه دولت می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. هرگاه بزرگ شدن اندازه دولت باعث تقویت زیرساختهای اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فیزیکی شود، در این صورت رشد اقتصادی تقویت خواهد شد. اما در صورتی که بزرگ شدن دولت منجر به ایجاد انحصار و سایر فعالیتهای غیرمولد مانند رانت جویی شود، رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. همچنین درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و گاز در ایران به دلیل این که تأمین‌کننده اصلی مخارج دولت و نیازهای ارزی کشور است، می‌تواند نقش موثری در رشد اقتصادی ایران داشته باشد. بنابراین الگوی نهایی قابل استفاده به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = f(L, K, H, G/GDP, XOIL, I) \quad (۵)$$

که در آن G/GDP اندازه دولت و XOIL درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز بوده و سایر متغیرها نیز همانند قبل هستند. در واقع، در این رابطه I متغیر جانشین کیفیت

^۱. J. W. Dawson, (1998).

^۲. A. M. Ali, (2003).

نهادها و X سایر متغیرهای موجود در الگوهای رشد اقتصادی (علل مستقیم مانند سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، اندازه دولت، حجم تجارت و) است.

نهادها و رشد اقتصادی در ایران: نتایج تجربی

داده‌های مورد استفاده^۱

در متون تجربی از یازده دسته متغیرهای مربوط به شاخصهای دموکراسی، نژاد و زبان، آزادیهای مدنی و حقوق سیاسی، نهادهای سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، مذهب، فساد، شانس، حقوق مالکیت، سرمایه اجتماعی، و حاکمیت قانون به عنوان شاخصهای نشان‌دهنده کیفیت نهادها استفاده شده است. به دلیل محدودیتهای آماری، در این مقاله از چهار شاخص زیر استفاده شده است:

۱. پول تقویت کننده قراردادها (CIM)^۲
۲. نسبت هزینه‌های امور عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی (TC1)
۳. نسبت هزینه‌های مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت در اداره امور عمومی کشور^۳ به تولید ناخالص داخلی (TC2)
۴. تعداد پرونده‌های مختومه مربوط به چک های بلامحل (SC) و شاخص سرمایه اجتماعی^۴

^۱ داده‌های مربوط به حجم سرمایه کشور (۸۱-۱۳۳۸) از آمینی و نشاط (۱۳۸۴) استخراج شده و تعداد شاغلین برای سالهای ۷۸-۱۳۳۸ از مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی-اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و بقیه از سالنامه آماری کشور استخراج شده است. متوسط سالهای تحصیل شاغلین برای سالهای ۷۹-۱۳۴۵ از نیلی و نفیسی (۱۳۸۲) استخراج و برای بقیه سالها از روش پیشنهادی آنها استفاده و محاسبه شده است. سایر متغیرها نیز از سالنامه های آماری کشور، آمارهای مالی بین المللی (IFS) صندوق بین المللی پول و بانک اطلاعات مقاله‌ها و داده‌های اقتصادی ایران (IELDB3.1) - مرکز تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی استخراج شده است.

^۲ Contract Intensive Money

^۲ هزینه‌های امور عمومی دولت شامل دوازده فصل است. در محاسبه هزینه‌های مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت در اداره امور عمومی کشور از داده‌های هزینه‌های دولت در فصول اداره امور عمومی کشور، اجرای سیاست داخلی کشور، حفظ نظم و امنیت داخلی، اداره امور قضایی-ثبتي، قانونگذاری و تنظیم روابط قوای سه‌گانه استفاده شده است.

^۴ این شاخص توسط سعادت (۱۳۸۷) تخمین زده شده است. برای مطالعه بیشتر شاخصهای ۲ و ۳ به رنانی (۱۳۷۶) مراجعه کنید.

«کلاگیو و همکاران»^۱ (۱۹۹۶ و ۱۹۹۹) از اولین کسانی بودند که یک شاخص کمی برای اندازه‌گیری تأثیر کیفیت نهادی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی با نام «پول تقویت‌کننده قراردادها» (و از این پس شاخص CIM) ارائه دادند که به صورت $CIM = (M2 - C) / M2$ تعریف می‌شود. در این رابطه M2 تعریف وسیع پول، C پول نگهداری شده در خارج از بانکها و بنابراین (M2-C) پول غیرنقدی^۲ است. این شاخص، معیاری عینی از قابلیت اجرایی قراردادها و بازتاب یا معیاری از نوع حکمرانی است که عملکرد اقتصادی را بهبود می‌بخشد؛ به جای اینکه علت آن عملکرد باشد. نسبت بزرگتر این شاخص به این معنی است که اجرای قراردادها و نهاد حقوق مالکیت مطلوب‌تر است.^۳

برای سرمایه انسانی از شاخص «متوسط سالهای تحصیل شاغلان» استفاده شده است. متغیر نماینده اندازه دولت در اقتصاد، نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی (G/GDP) و متغیر نماینده سلطه نفت نیز درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز (XOIL) در نظر گرفته شده است.

آزمونها و روشها

نتایج آزمون ریشه واحد «زیوت-اندريوز»^۴ (۱۹۹۲) وقوع شکست ساختاری در متغیرها را تأیید کرده و آزمونهای زیوت - اندريوز و ADF بر نامانا بودن تمامی متغیرهای مورد استفاده در الگو تأکید دارد.^۵ بر این اساس در ابتدا، رابطه درازمدت بین متغیرهای الگو بر اساس آزمون همجمعی «گری گوری- هانسن»^۶ (۱۹۹۶) - که آزمونی معتبر با وجود شکست ساختاری است - بررسی شده و نتایج آن در جدول شماره (۱) آورده شده است.

^۱. C. Clague, and et. al, (1996&1999).

^۲. Non- Currency Money

^۳. Clague et al., 1999, p. 186-189.

^۴. Zivet-Andrewz, (1992).

^۵. این آزمونها با نرم‌افزارهای Eviews7.0 و Gauss6.0 انجام شده و نتایج آنها در اینجا آورده نشده و نزد نویسندگان موجود است.

^۶. Gregory- Hansen, (1996).

نتایج آزمون همجمعی گری گوری- هانسن (با آماره‌های ADF و Z_t) حکایت از وجود رابطه علی درازمدت بین متغیرهای الگو (با در نظر گرفتن متغیرهای نماینده کیفیت نهادها و بدون آنها) داشته و به عبارت دیگر، نتایج این آزمون حکایت از تأثیر درازمدت کیفیت نهادها و سایر متغیرهای الگو بر تولید واقعی ایران دارد. با توجه به وجود رابطه علی درازمدت بین متغیرها، نباید نگران جعلی بودن نتایج حاصل از تخمین الگو با سطوح متغیرها با روش حداقل مربعات معمولی و سایر روشها شد. بنابراین برای از دست ندادن اطلاعات مفید به واسطه تفاضل‌گیری متغیرها، از سطوح متغیرها استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون همجمعی گری گوری- هانسن (۱۹۹۶)،
الگوی (C/T)، ۸۵-۱۳۳۸

الگو	Z_{α}^*	Z_t^*	ADF*
معادله (۴) بدون متغیر نماینده کیفیت نهادها	-۷/۲۳[1368]	-۷/۲۵[1368]	-۴۹/۸۲[1372]
معادله (۴)	-۷/۲۴۵[1372]	-۷/۳۵[1372]	-۴۹/۹۶[1372]

ماخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار Gauss6.0

یادداشتها:

- ارقام داخل [] نشان دهنده سال شکست ساختاری است.
- مقادیر بحرانی برای آزمونهای ADF و Z_t در سطوح ۱، ۲/۵ و ۵ درصد به ترتیب $-۶/۳۶$ ، $-۶/۰۷$ و $-۵/۸۳$ و برای آزمون Z_{α} به ترتیب $-۷۶/۹۵$ ، $-۷۰/۵۶$ و $-۶۵/۴۴$ است.
- متغیر نماینده کیفیت نهادها در اینجا CIM در نظر گرفته شده و نتایج محاسبات با سایر متغیرها نیز تفاوتی نمی‌کند و برای اختصار از آوردن آنها خودداری شده است.

یکی از مسائل مهم در تخمین روابط بین کیفیت نهادها و رشد اقتصادی، احتمال درونزا بودن متغیرهای مربوط به کیفیت نهادها است. در صورت وقوع چنین امری، نتایج روش حداقل مربعات معمولی اریب دار خواهد شد. برای حصول اطمینان از چنین امری، از آزمون

تصریح هاسمن (۱۹۷۸) استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که تمامی شاخصهای نماینده کیفیت نهادها، متغیری درونزا هستند و بنابراین تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه و کیفیت نهادها به صورت همزمان تعیین می‌شوند. برای محاسبه صحیح آماره‌های t و خطاهای استاندارد از روش حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS) استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین معادله شماره (۵) در جدول شماره (۲) آورده شده است.

با توجه به اینکه معادله شماره (۵) یک تابع تولید محسوب می‌شود، بنابراین متغیر وابسته باید تولید سرانه به ازای هر شاغل تعریف شود (و نه تولید سرانه بر حسب جمعیت). در مطالعات تجربی مورد اشاره در بالا و بیشتر مطالعات دیگر به این موضوع توجهی نشده است. همچنین با توجه به تأثیر بی‌معنای متغیر اندازه دولت، این متغیر از الگو حذف شد و حذف آن با توجه به در نظر گرفتن درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز، وضعیت متغیرها را بهبود داد. در سطر اول جدول شماره (۲)، معادله شماره (۵) بدون در نظر گرفتن متغیر نماینده کیفیت نهادها تخمین زده شده است. نتایج تخمین نشان داد که تنها حجم سرمایه و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند و تعداد شاغلین و سرمایه انسانی تأثیر معناداری نشان نمی‌دهند. بی‌معنا بودن ضریب متغیر اندازه دولت در الگو را می‌توان اینگونه توضیح داد که اصولاً وجود درآمدهای نفتی در ایران ارتباط بین عرضه و تقاضای تحولات نهادی دولت و جامعه را از هم گسسته است. در چنین شرایطی حضور متغیر درآمدهای نفتی، باعث بی‌معنا شدن ضریب اندازه دولت خواهد شد و نتایج ارائه شده چنین امری را تأیید می‌کند. درگاهی و قدیری (۱۳۸۲) اندازه دولت و درآمدهای نفتی را تنها عوامل مؤثر و توضیح دهنده رشد اقتصادی ایران دانسته اند، در حالیکه نتایج بدست آمده در مطالعه خلیلی عراقی و رمضانپور (۱۳۸۰) همانند نتایج مطالعه حاضر بوده است.

سطرهای دوم تا پنجم، نتایج تخمینها با در نظر گرفتن متغیرهای جانشین کیفیت نهادها در اقتصاد ایران را نشان می‌دهند. در تمامی این تخمینها کیفیت نهادها تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد که عامل مهمی در فرایند رشد اقتصادی تلقی می‌شود. همچنین ورود این متغیرها به معادله، وضعیت معناداری سایر متغیرها را بهبود

بخشیده است. ذکر این نکته ضروری است که نتایج این مقاله با نتایج سایر مطالعات در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی مانند مطالعات سوری (۱۳۸۴) و مویدفر (۱۳۸۵) یکسان است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این مقاله نشان دادن اهمیت تحلیلهای اقتصاد نهادگرایی در تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی ایران، بخصوص رشد اقتصادی بوده است. نگاهی به نتایج بیشتر مطالعات انجام شده درباره رشد اقتصادی ایران نشان داد که در مورد تأثیر علل مستقیم (یا آشکار) بر فرایند رشد اقتصادی، بطور کلی، اتفاق نظری بین محققین و یافته‌های تجربی آنها وجود ندارد. تأثیر پس انداز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه انسانی، مالیاتها، صادرات غیر نفتی، توسعه مالی و بطور کلی سیاستهای پولی و مالی و تجاری، تورم، توزیع درآمد و آموزش بر رشد اقتصادی ایران مبهم؛ یعنی گاهی مطابق با نظریه‌های اقتصادی و گاهی مخالف آنها است. تنها اتفاق نظر در بین محققین، درباره تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متنوع سازی صادرات، واردات، مخارج تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انرژی و تأثیر منفی نرخ ارز و سیاستهای ارزی، بی‌ثباتی درآمدهای ناشی از صادرات، و جمعیت بر رشد اقتصادی و همچنین موانع نهادی بوده است.

بر اساس این یافته‌های تجربی، پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا چنین نتایجی حاصل شده است؟ آیا کمیت منابع و عوامل تولید ناکافی است و یا به عوامل مکمل دیگری نیاز دارد؟ آیا تنها با تکیه بر نظریه‌های اقتصادی و بدون توجه به مسائل نهادی، می‌توان مشکلات اقتصاد ایران را تحلیل کرد؟ جواب به روشنی «نه» است، زیرا رشد اقتصادی نهادهای ویژه خویش را می‌طلبد و در صورت فراهم نشدن چنین زیرساختی، سرمایه‌های فیزیکی و انسانی نمی‌توانند رشد قابل‌اعتنایی را تضمین کنند. در این مقاله تلاش شد تا قدمی در این راستا برداشته شده و دیدگاه روشن‌تر و متفاوتی از موانع رشد اقتصادی در ایران ارائه شود.

جدول ۲. نتایج تخمین الگوی شماره (۵) با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS):

(متغیروابسته: تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه شاغلین به قیمت ثابت ۱۳۷۶)

متغیرهای مستقل	C	LL	LK	LH	LXOIL	I	R ² -Adj.	D.W.
-	-۰/۲۸ (۰/۳۲)	-۰/۲۱ (۱/۴۲)	-۰/۴۳ (۵/۵۴) ^{***}	-۰/۱۲ (-۰/۹۲)	-۰/۱۶ (۷/۸۷) ^{***}	-	۰/۹۹۵	۱/۹۲
CIM	-۰/۲۵ (-۰/۲۱)	-۰/۱۴ (۱/۴۲)	۰/۷۱ (۹/۱۲) ^{***}	-۰/۱۲ (-۱/۳۶)	-۰/۲۱ (۹/۲۱) ^{***}	۰/۲۶ (۱/۹۵) [°]	۰/۹۹۵	۱/۹۵
TC1	-۲/۶۷ (-۰/۸۳)	-۰/۱۹۷ (۰/۶۱)	۰/۷۹ (۳/۷۱) ^{***}	-۰/۱۲۵ (-۰/۲۴)	۰/۲۵۴ (۶/۴۱) ^{***}	۱/۴۳۵ (۲/۲۹) ^{**}	۰/۹۵	۲/۱
TC2	-۳/۱۲ (-۱/۳۹)	-۰/۷۵ (۲/۸۲) ^{**}	۰/۵۲ (۳/۵۹) ^{***}	-۰/۲۵ (-۱/۶۹)	-۰/۳۲ (۷/۷۰) ^{***}	۵/۹۱ (۲/۴۷) ^{**}	-۰/۹۷	۲/۱
SC	-۰/۱۲ (-۰/۶۹)	۰/۳۴۲ (۱/۹۸) [*]	۰/۵۷ (۴/۴۳) ^{***}	-۰/۴۸ (-۱/۹) [*]	-۰/۲۶ (۷/۳۲) ^{***}	۰/۹۲ (۲/۶۷) ^{**}	-۰/۹۷	۲/۰۳

ماخذ: محاسبات تحقیق با نرم افزار Eviews7.0.

یادداشتها:

- ارقام داخل پرانتز مقادیر آماره t است.
- علائم *، ** و *** به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.
- L در ابتدای متغیرها نشان دهنده لگاریتم متغیرها است.
- تخمینها برای CIM در دوره ۸۱-۱۳۳۸ و برای سایر متغیرها در سالهای ۸۱-۱۳۵۰ صورت گرفته است.
- در این جدول نتایج حاصل از تخمین الگو با هر متغیر نماینده نهادها در سطرها آورده شده است.
- نتایج ارائه شده در سطر آخر برای سرمایه اجتماعی تنها با شاخص ارائه شده در مطالعه سعادت (۱۳۸۷) است.

در این راستا، در این مقاله الگوی رشدی معرفی شده که در آن متغیر کیفیت نهادها به عنوان یک متغیر، وارد الگو شده است. این الگو سازگار با شرایط اقتصاد ایران بوده و روابط درازمدت بین متغیرها با آزمون همجمعی گری گوری-هانسن (۱۹۹۶) و روابط بین متغیرها

با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای و با در نظر گرفتن متغیرهای جانشین کیفیت نهادها در اقتصاد ایران تخمین زده شده است. نتایج آزمون همجمعی گری گوری- هانسن، رابطه علی درازمدت بین متغیرهای الگو (با در نظر گرفتن متغیرهای نماینده کیفیت نهادها و بدون آنها) را نشان داد و این نتیجه حکایت از تأثیر درازمدت کیفیت نهادها و سایر متغیرهای الگو بر تولید واقعی ایران دارد. نتایج آزمون تصریح هاسمن نشان داد که تمامی متغیرها، درونزا هستند و بنابراین تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه و کیفیت نهادها به صورت همزمان تعیین می‌شوند. نتایج تخمینها بدون در نظر گرفتن متغیرهای جانشین کیفیت نهادها و با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای نشان داد که تنها حجم سرمایه و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته و تعداد شاغلین و سرمایه انسانی تأثیر معناداری نشان نمی‌دهند. همچنین، نتایج تخمینها با در نظر گرفتن متغیرهای جانشین کیفیت نهادها در اقتصاد ایران نشان داد که کیفیت نهادها تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهند و عامل مهمی در فرایند رشد اقتصادی تلقی می‌شوند. همچنین ورود این متغیرها به معادله، وضعیت معناداری سایر متغیرها را نیز بهبود بخشیده است.

نتایج مقاله نشان می‌دهد که بهبود کیفیت نهادها تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی ایران خواهد داشت. هرچند به دلیل نبود داده‌های مناسب و شاخصهای قوی‌تر برای متغیرهای هزینه مبادله و سرمایه اجتماعی، نتایج این مقاله را باید با دیده احتیاط نگریست، اما واضح است که تحلیلهای نهادی- به عنوان یک تحلیل مکمل- در تحلیل مسائل اقتصاد ایران کمک شایان توجهی خواهد کرد و در بررسی موانع رشد اقتصادی ایران، باید به موانع نهادی در کنار سایر موانع نیز توجه کرد.

پی‌نوشتها:

۱. ابریشمی، حمید و هادیان، محمد. «رانت‌جویی و رشد اقتصادی (شواهد تجربی از ایران)». *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۷، (پائیز ۱۳۸۳).
۲. امینی، علیرضا و نشاط، حاجی محمد. «برآورد سرس زمانی موجودی سرمایه در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۸۱-۱۳۳۸». *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۹۰، (۱۳۸۴).
۳. تری، فتح‌الله و ستاری، رسول. «بررسی تأثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک». *پژوهشنامه اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۱۶، (۱۳۸۴).
۴. خضری، محمد و رنای، محسن. «رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی آن». *فصلنامه مفید*، سال دهم، شماره ۴۵، (۱۳۸۳).
۵. خلیلی عراقی، منصور و رمضانپور، اسماعیل. «اهمیت محیط باثبات اقتصاد کلان». *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۸، (۱۳۸۰).
۶. درگاهی، حسن و قدیری، امراله. «تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران (با مروری بر الگوهای رشد درونزا)». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال هفتم، شماره ۲۶، (۱۳۸۲).
۷. رنای، محسن. «بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران». تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۶.
۸. سعادت، رحمان. «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)». *مجله تحقیقات اقتصادی*، سال ۴۳، شماره ۸۳، (۱۳۸۷).
۹. سوری، علی. «پسماند رشد: سرمایه انسانی یا اجتماعی؟». *نامه مفید*، سال یازدهم، شماره ۵۱، (۱۳۸۴).
۱۰. صمدی، علی‌حسین. «حقوق مالکیت و رشد اقتصادی: تدوین یک الگوی رشد درونزا». *رساله دکتری اقتصاد*، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، (۱۳۸۷).
۱۱. طبیبان، محمد. «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه». برنامه و توسعه، شماره ۴، (دوره دوم)، (۱۳۷۱).
۱۲. قلی‌پور، آریین. *نهادها و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها)*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۱۳. کمیجانی، اکبر و معمارنژاد، عباس. «اهمیت کیفیت نیروی انسانی و R&D (تحقیق و توسعه) در رشد اقتصادی ایران». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال هشتم، شماره ۳۱، (۱۳۸۳).
۱۴. مجاور حسینی، فرشید. «سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و رشد اقتصادی در ایران و ۵۷ کشور جهان». مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه (مجموعه مقاله‌ها)، (۱۳۷۸).
۱۵. مؤید فر، رزیتا. «بررسی تحولات سرمایه اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران». *رساله دکتری اقتصاد*، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، (۱۳۸۵).
۱۶. نورث، داگلاس. *ساختار و دگرگونی در تاریخ*. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۷. نورث، داگلاس. *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، (۱۹۹۰)، ۱۳۷۷.
۱۸. نیلی، فرهاد و آدری، مهدی. «تأثیر اعتماد بر عملکرد اقتصادی در اقتصاد ایران». *اقتصاد سیاسی*، شماره ۱۱، (۱۳۸۵).
۱۹. نیلی، مسعود و نفیسی، شهاب. «رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار مورد ایران سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۹». *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران*، سال هفتم، شماره ۱۷، (تابستان ۱۳۸۲).

20. Acemoglu, D., and S. Johnson. "Unbundling Institutions", *The Journal of Political Economy*, Vol.113, No.5, (2005): 949-995.
21. Acemoglu, D. *Introduction to Economic Growth*. Chapters 4 and 18, MIT Press., 2006.
22. Acemoglu, D, Johnson, S. and Robinson, J. *Handbook of Economic Growth. Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth*, Vol. 1A, Chapter 6, (Edited by: P. Aghion, and S. Durlauf), MIT Press., 2005.
23. Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J. and Thaicharoen, Y. "Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth", *Journal of Monetary Economic*, Vol.50, (2003): 49-123.
24. Ali, A. M. "Institutional Differences as Sources of Growth Differences", *Atlantic Economic Journal*, Vol.31, No.4, (2003): 348-362.
25. Aron, J. "Growth and Institutions: A Review of the Evidence", *The World Bank Research Observer*, Vol.15, No.1, (2000): 99-135.
26. Barro, R. J., and Sala-i-Martin, X. *Economic Growth*. 2nd Edition, MIT Press., 1995-2004.
27. Beck, T., and Leaven, L. "Institution Building and Growth in Transition Economies", *Journal of Economic Growth*, Vol.11, (2006): 157-186.
28. Blomstrom, M. and S. J. La Croix. "Introduction to Institutional Change in Japan", *East-West Center Working Papers*, No. 81, (2005), (www.eastwestcenter.org).
29. Clague, C., Keefer, P., Knack, S. and Olson, M. "Property and Contract Rights in Autocracies and Democracies", *Journal of Economic Growth*, Vol.1, (1996): 243-276.
30. Clague, C., Keefer, P., Knack, S. and Olson, M. "Contract- Intensive Money: Contract Enforcement Property Rights and Economic Performance", *Journal of Economic Growth*, Vol. 4, (1999): 185-211.
31. Dawson, J. W. "Institution, Investment, and Growth, New Cross- Country and Panel Data Evidence", *Economic Inquiry*, Vol.36, No.4, (1998): 603-619.
32. Durlauf S.N., Johanson P.A., and Temple J. R. W. "Growth Econometrics", *Handbook of Economic Growth*, Volume 1A , Edited by P. Aghion and S. Durlauf, Elsevier B. V, (2005) .
33. Glaser, E. L., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F. and Shleifer, A. "Do Institutions Cause Growth?", *Journal of Economic Growth*, Vol. 9, (2004): 271-303.

34. Goldsmith, A. A. "Economic Rights and Government in Developing Countries: Cross-National Evidence on Growth and Development"., *Studies in Comparative International Development*, Vol. 32, No.2, (1997):29-44.
35. Heitger, B. "Property Rights and the Wealth of Nations: A Cross-Country Study"., *Cato Journal*, Vol. 23, (2004):381-402.
36. Hodgson, G. M. "Introduction to the Inaugural Issue by the Editor-in-Chief"., *Journal of Institutional Economics*, Vol.1, No.1, (2005).
37. Hodgson, G. M. "What are Institutions?"., *Journal of Economic Issues*, Vol.40, No.1, (2006):1-25.
38. Hov, C. C., and Hou, J. W. "Evolution of Economic Institutions and China's Economic Reform"., *The Social Science Journal*, Vol. 39, (2002): 363-379.
39. Lewer, J. J., and Saenz, M. "Property Rights and Economic Growth: Panel Data Evidence"., *Southwestern Economic Review*, Vol.27, (2005):157-165.
40. Lin, J. Y., and Nugent, J. B. "Institutions and Economic Development"., *Handbook of Development Economics*, Vol. 3, Chapter 38, (1995): 2301-2370.
41. Meacci, F. "Book Review [1. Old and New Growth Theories, 2. The Theory of Economic Growth: A Classical Perspective, Edited by N. Salvadori]"., *Structural Change and Economic Dynamics*, Vol.15, (2004):493-502.
42. Nelson, R. R., and Sampit, B. N. "Making Sense of Institutions as a Factor Shaping Economic Performance"., *Journal of Economic Behavior & Organization*, Vol.44, (2001): 31-54.
43. Niggle, C. "Evolutionary Keynesianism: A Synthesis of Institutionalism and Post Keynesian Macroeconomics"., *Journal of Economic Issues*, Vol.40, No.2, (2006): 405-412.
44. North, D. C. "Institutions"., *Journal of Economic Perspectives*, Vol.5, No.1 (1991): 97-112.
45. Norton, S. W. "The Cost of Diversity: Endogenous Property Rights and Growth"., *Constitutional Political Economy*, Vol.11, No.4, (2000):319-337.
46. Redek, T. and Sušjan, A. "The Impact of Institutions on Economic Growth: The Case of Transition Economics"., *Journal of Economic Issues*, Vol.39, No.4, (2005): 995-1027.
47. Rodrik, D., Subramanian, A. and Trebbi, F. "Institutions Rule: the Primacy of Institutions Over Geography and Integration in Economic Development"., *Journal of Economic Growth*, Vol.9, (2004): 131-165.
48. Veeman, T. S., and Politylo, J. "The Role of Institutions and Policy in Enhancing Sustainable Development and Conserving Natural Capital"., *Environment, Development and Sustainability*, Vol.5, No. 3/4, (2003): 317-332.